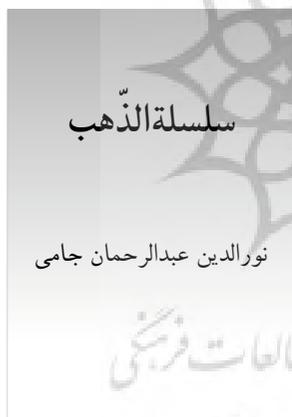


# نقد تصحیح سلسله الذهب نورالدین عبدالرحمان جامی

دکتر هادی خدیور\*



\* سلسله الذهب

\* نورالدین عبدالرحمان جامی

\* تصحیح جابلقا دادعلیشاه، اصغر جانفدا

ظاهر احراری و حسین تربیت

زیر نظر اعلاخان افصحزاد

\* انتشارات میراث مکتوب

من با اساس قرار دادن نسخه خطی D-204 که اصل آن در مخزن نسخه های خطی شرقی شعبه سنت پیترزبورگ، انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم روسیه موجود است و فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۰۶۲ وجود دارد و استفاده از چهار نسخه خطی نسبتاً معتبر و نسخه چاپی مدرس گیلانی، در سال ۱۳۷۴ موفق به انجام این کار شدم و درصدد چاپ منظومه بودم که «دفتر نشر میراث مکتوب» در سال ۱۳۷۸ تمامی منظومه هفت اورنگ را با تحقیق و تصحیح «جابلقا دادعلیشاه، اصغر جانفدا، ظاهر احراری و حسین تربیت» زیر نظر اعلاخان افصحزاد، در تهران چاپ کرد.

سالها جای نسخه ای بی عیب از مثنوی های «هفت اورنگ» «نورالدین عبدالرحمان جامی» شاعر عالم و عارف قرن نهم و خاتم الشعرا شعر کلاسیک فارسی که فاقد غلطهای نسخه چاپی مرحوم مرتضی مدرس گیلانی باشد، خالی بود. سال ۱۳۷۰ شادروان استاد دکتر سیدضیاء الدین سجادی تصحیح و شرح سه دفتر مثنوی «سلسله الذهب» را به عنوان پایان نامه دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، به اینجانب تکلیف فرمودند. منظومه ای که در سه دفتر سروده شده و حدود شش هزار و سیصد و هفتاد بیت دارد و نخستین مثنوی از هفت اورنگ محسوب می شود.

سلسله‌الذَّهب است.

۱. الف: دیو را گو بمالش تو شتافت  
جز بدین پنج، پنجه نتوان تافت (بیت ۷، صفحه ۶۱)  
ب: دیو را کو ... / ...
۲. الف: بود نعلش سهیل رخشنده  
سنگ را رنگ لعل بخشنده (۶۸/۱۵۷)  
ب: بود لعلش ... / ...
۳. الف: می‌نماید به چشم عقل سلیم  
حرفهایش عیان میان دو میم (۱۶۵/۶۸)  
ب: ... / حرف‌هایش ...
۴. الف: هر گیاهی کز آن زمین خیزد  
نافه در جیب یاسمین ریزد (۱۹۹،۷۰)  
ب: ... / بیزد
۵. الف: بس کند شیر شرزَه از شر و شور  
خوارد از پنجه پشت و گردنِ گور (۲۶۵،۷۳)  
ب: ... / خارد ...
۶. الف: شیخ و اصحاب ز دست شدند  
از شراب غرور مست شدند (۴۴۴،۸۲)  
ب: شیخ و اصحاب او ... / ...
۷. الف: پشت و پای بر این جهان زده‌ام  
خیمه بر اوج لامکان زده‌ام (۵۲۷،۸۶)  
ب: پشت پای ... / ...
۸. الف: رفته از همّت فرومایه  
در جوال خیال بی‌مایه (۵۲۷،۸۶)  
ب: ... / همسایه
۹. الف: قلب او ذاکر است و لب خاموش  
تا لبش آرمیده جان در جوش (۵۳۱،۸۶)  
ب: ... / قالبش ...
۱۰. الف: تویره بر زیر سر نهاد و بخت  
صاحب خوان چو آن بدید آشفّت (۵۵۸،۸۶)  
ب: تویره، زیر سر ... / ...
۱۱. الف: یا بر اندازش به حرص و هوا  
یا بی‌لایدش به عجب و ریا (۷۰۹،۹۶)  
ب: ... / بی‌لایدش ...

در چاپ جدید مثنوی هفت اورنگ، از جمله سلسله‌الذَّهب، نسخه‌ای از مجموعه نسخه‌های خطی آکادمی علوم ازبکستان به شماره ۱۰۶۵، به نام نسخه «الف» اساس کار این پژوهندگان قرار گرفته که هم تاریخ کتابت آن (سال ۸۹۵)، پنج سال جدیدتر از نسخه‌ای است که اینجانب اساس کارم در تصحیح این منظومه قرار دادم و هم به اعتراف خود مصححان در مقدمه، کمبودها و نواقصی دارد که به بعضی از آنها در این مقاله اشاره خواهیم کرد.

در چاپ جدید هفت‌اورنگ غیر از نسخه‌ی اساس که ذکر شد از شش نسخه‌ی خطی دیگر و نسخه‌ی چاپی مرحوم مدرّس گیلانی استفاده شده. از جمله نسخه‌های خطی که بسیار مورد استفاده قرار گرفته یکی نیز همان نسخه‌ی خطی است که اینجانب در تصحیح منظومه سلسله‌الذَّهب اساس کار خود قرار دادم و در این مقاله نسخه «ب» نام دارد. برای من مشخص نشد که این نسخه با وجود اینکه به قول مصححان خیلی کم غلط است و چنانکه ذکر شد تاریخ کتابت آن پنج سال زودتر از نسخه «الف» است، چرا نسخه‌ی اساس قرار نگرفته است؟

در نگاه اول، چاپ جدید (۱۳۷۸) میراث مکتوب از منظومه هفت‌اورنگ از جمله سلسله‌الذَّهب، بدون غلط به نظر می‌آید. اما به علت گزینش نامناسب نسخه‌ی اساس و عدم درک صحیح معانی بعضی از ابیات و حذف اجباری و اختیاری بعضی از اشعار که به جای بعضی از آنها نقطه گذاشته شده و برخی جانبداری‌ها، مقداری از ارزش کار کاسته شده است. اگرچه این چاپ در مقایسه با دیگر چاپ‌های هفت‌اورنگ مزایای فراوان دارد و کوشش این گروه از فارسی‌دوستان و عشق و علاقه آنها به فرهنگ و ادب فارسی ستودنی است.

در این مقاله، ما متعرّض لغزش‌های نگارشی و غلط‌های چاپی و نکاتی می‌شویم که در صورت اصلاح آنها در تجدید چاپ این منظومه ارزش آن بهتر و بیشتر می‌گردد.

ابیاتی که در بخش «الف» می‌آید از چاپ جدید سلسله‌الذَّهب «دفتر نشر میراث مکتوب» است و ابیاتی که در بخش «ب» آمده از منظومه‌ای است که من تصحیح کرده‌ام و هنوز موفق به چاپ آن نشده‌ام. داخل پرانتزها نیز ابتدا شماره بیت و بعد از آن شماره صفحه مطابق با هفت اورنگ چاپ میراث مکتوب آمده است. قضاوت نهایی به عهده خوانندگان صاحب ذوق و کمال منظومه

# مقاله علمی-ادبی

۱۲. الف: عصمت است این که زاحتساب تو را نیست حظّی به هیچ باب تو را (۷۲۸، ۹۷)  
ب: ... /... خطّی ...
۱۳. الف: من زبان و او سخن گذارنده بلکه من خامه او نگارنده (۷۳۵، ۹۷)  
ب: ... گزارنده /...
۱۴. الف: امر تکلیف خویش خواست نخست مطالبش شد چنانکه خواست درست (۸۸۴، ۱۰۴)  
ب: امر و تکلیف ... /...
۱۵. الف: چون ندانم که پی به گنج برم بی طلب در طلب چه رنج برم (۹۱۲، ۱۰۶)  
ب: توانم ....
۱۶. الف: هر کجا باشد سبب مجاهده را محنت کوشش و مکابده را (۹۱۵، ۱۰۶)  
ب: ... شد ... /...
۱۷. الف: یا ز اسباب قرب رضوان است یا ز آثار بعد و خذلان (۹۳۰، ۱۰۷)  
ب: ... قرب و رضوان ... /...
۱۸. الف: بر صف اهل زینب با دل صاف بهر اعدای دین کشیده مصاف (۱۰۱۸، ۱۱۲)  
ب: ... بهر اعلای ...
۱۹. الف: متجسد شود در او ارواح متروّح شود در او شباح (۱۱۱۸، ۱۱۷)  
ب: ... اشباح ... /...
۲۰. الف: نیست کار تو کسب جمعیت رو همی گو که کی کنم نیت (۱۱۸۹، ۱۲۰)  
ب: ... می کنم ... /...
۲۱. الف: شعر بادی است کش کنند ابداع از مفاعیل و فاعلات زراع (۱۲۷۶، ۱۲۴)  
ب: ... ذراع ... /...
۲۲. الف: متعدّد به پیش چشم شهود بود واحد به ذات لیک نمود (۱۴۲۲، ۱۳۲)  
ب: بود واحد به ذات لیک نمود متعدّد به پیش چشم شهود
۲۳. الف: اولاً عالم عقول و نفوس وز پی آن مثال بس محسوس (۱۴۲۴، ۱۳۲)  
ب: ... /... پس
۲۴. الف: آمد آینه جمله کون ولی همچو آینه‌ای نکرده جلی (۱۴۲۷، ۱۳۲)  
ب: ... /... آینه ...
۲۵. الف: به تعوّد چنان که می‌دانی پاک کردی ز لوث شیطانی (۱۶۲۲، ۱۴۲)  
ب: ... پاک گردی ...
۲۶. الف: ذات با هر تعین تنها اسم آمد ز جمله اسما (۱۶۶۱، ۱۴۴)  
ب: ... اسمی ... /...
۲۷. الف: رَبُّ تَالِ يَفْوَهُ بِالْقُرْآنِ وَ هُوَ يُفْضِي بِهِ إِلَى الْخِذْلَانِ (۱۷۰۷، ۱۴۶)  
ب: ... يقضی الی ... /...
۲۸. الف: مجلس ناکسان بیارایی تا بدان یک‌دو خرده بریایی (۱۸۱۱، ۱۵۲)  
ب: ... بریایی ... /...
۲۹. الف: نه ز احوال عاقبت ترسان نه ز اسباب عافیت پسران (۱۸۱۱، ۱۵۲)  
ب: نه ز احوال ... ... /...
۳۰. الف: بسته بر خود تخیلی باطل یکسر از حیلۀ خرد عاطل (۱۸۱۳، ۱۵۲)  
ب: ... حلیه ... /...
۳۱. الف: راهب القصّه به کوه فشرّد نقد اوقات خود به کوه سپرد (۲۰۱۰، ۱۶۲)

- ب: راهب القصه پي به کوه فشرد/...
۳۲. الف: شوی اندر جریده اشرا  
بنده راضی کند خدا آزار(۲۰۳۴،۱۶۳)
- ب: ... /بنده راضی کن خدا آزار
۳۳. الف: این است لاف و گزاف آن غاوی  
لیک او را چو نیک واکاوی(۲۰۴۶،۱۶۴)
- ب: اینت ... /...
۳۴. الف: زد یکی از دور نه بانگ که کیست  
بانگ بی وقت کردن از پی چیست(۲۱۱۰،۱۶۷)
- ب: زد یکی از درونه ... /...
۳۵. الف: و آن سه رکن دیگر صحت و جوع و سهر است  
... (۱۶۷)
- ب: و آن سه رکن دیگر صمت و ...
۳۶. الف: هرچه گوید به عقل گوید و هوش  
ور نباشد ز گفت و گوی خموش(۲۲۲۶،۱۷۳)
- ب: ... /ور نه باشد...
۳۷. الف: همچو قول رسول یا اصحاب  
که گرفتند از او طریق صواب(۱۷۳،۲۲۳۰)
- ب: ... یا ... /...
۳۸. الف: هست ضیفی ز فیض خانه غیب  
آمده خالی از نشانه غیب(۲۲۴۶،۱۷۴)
- ب: ... /... عیب
۳۹. الف: ای بسا میهمان که بر تو فرو  
آمد از آسمان قدس و علو(۲۲۵۲،۱۷۴)
- ب: ... /... علو
۴۰. الف: چون رسید از خدا کتاب و رسول  
آن برد پیشرفت وین به قبول(۲۳۰۴،۱۷۷)
- ب: ... /آن به رد پیش رفت وین به قبول
۴۱. الف: رخ ز فرمانگذاری حق تافت  
سوی کید و فریب دیو شتافت(۱۹۸،۲۷۲۹)
- ب: ... فرمان گزاری ... /...
۴۲. الف: پیش تو یاد معن بی معنی است  
هر گدایی ز جود تو معنی ست (۲۸۲۸،۲۰۳)
- ب: ... /... مغنی...
۴۳. الف: نخوت آرد ز جانب ممدوح  
که کند سدّ بابهی فتوح (۲۸۳۵،۲۰۳)
- ب: ... /... باب های فتوح
۴۴. الف: در عرب در عجم بود مشهور  
کو مدنش مغفل مغرور(۲۸۹۴،۲۰۶)
- ب: ... /گو مدانش ...
۴۵. الف: اگرش چشم راستین بودی  
راست کردار و راست دین بودی(۲۹۱۴،۲۰۷)
- ب: ... راست بین ... /...
۴۶. الف: از حسد دیده خرد شد کور  
وز رمد دیده حسد بی نور (۲۹۱۹،۲۰۸)
- ب: ... /... جسد...
۴۷. الف: آفتابین بر سپهر علا  
نفتد عکس ما دگر سوی ما(۲۰۹،۲۹۴۰)
- ب: آفتابیم ... /...
۴۸. الف: و آنکه باشد دعای نفرین بوی  
چون بود گر کند به نفرین روی(۲۹۱۸،۲۱۰)
- ب: ... دعاش ... /...
۴۹. الف: بهره مندند از نبی و نبیه  
کالولد گفته اند سرّ ایه(۲۹۹۶،۲۱۲)
- ب: ... از نبی نبیه/...
۵۰. الف: بیش از این فاضلان بسی بودند  
که ز کسب و هنر نیاسودند(۳۰۳۶،۲۱۴)
- ب: ... /... کسب هنر
۵۱. الف: خواند از شوق یار فرزانه  
صد از اینان فسون و افسانه(۳۱۲۸،۲۱۸)
- ب: ... /صد از این سان ...
۵۲. الف: تا مرا هوش و مستمع را گوش  
هست از این قصه کی شود خاموش(۳۱۳۹،۲۱۹)
- ب: ... کی شوم
۵۳. الف: خرد آن ساده را کند تعبیر  
که زغایب به من کند تعبیر(۳۱۶۱،۲۲۰)
- ب: ... /تفسیر/...
۵۴. الف: جای آن داشت که ز جاه و شکوه

- رفتگی از جای خویش آنجا کوه (۳۱۹۷، ۲۲۲) رفتی از جای خویش آنجا کوه (۳۱۹۷، ۲۲۲)
- ب: جای آن داشت گر ... /
۵۵. الف: ... که خیکی است پر بار... (سطر اول، ۲۳۲)
- ب: ... باد
۵۶. الف: هر که ثابت شود به قول ثقات که محمد علیه الف صلوات (۳۴۵۸، ۲۳۴)
- ب: هر چه ثابت ... /
۵۷. الف: عاجز آینده و قاصر و مضطر یکسر از مثل سوره اقصر (۳۵۸۵، ۲۴۱)
- ب: ... عاجز آیند و ... /
۵۸. الف: می کند بند راه شوق بیان می نهد مهر خامشی به دهان (۳۶۸۶، ۲۴۷)
- ب: ... شرح بیان ... /
۵۹. الف: بحر بس ژرف و یم بس طامی قطب حق بایزید بسطامی (۳۷۳۲، ۲۵۱)
- ب: ... یم ... /
۶۰. الف: در سماعی که در وی از سر ذوق نفشاند حریق شعله شوق (۲۵۵، ۳۸۱۲)
- ب: هر سماعی که ... /
۶۱. الف: چه حشیشی که آب و گل برد چه گیاهی که گاو و خر بچرد (۲۶۷، ۴۰۷۲)
- ب: ... نچرد ... /
۶۲. الف: حسن سیرت محل تغییر است عارف از عشق آن کران گیر است (۲۶۷، ۴۰۷۹)
- ب: حسن صورت ... /
۶۳. الف: شیشه گر بشکند معاذالله هست در دید نور حرف اله (۲۷۰، ۴۱۲۹)
- ب: ... نور صرف آنکه
۶۴. الف: چون نماند کمال عاشق جمال لال گردد زبان استدلال (۲۷۴، ۴۲۰۴)
- ب: چون نماید ... /
۶۵. الف: منقل آتشین به دامان ریخت آتش خجلتش زجان انگیخت (۲۷۵، ۴۲۳۴)
- ب: منقل آتشی به دامن ... /
۶۶. الف: شست از آلودگی به کلی دست نه به شب خفتی و نی به روز نشست (۲۸۰، ۴۳۳۲)
- ب: آسودگی / نه به شب خفت و ...
۶۷. الف: خفت مرغش به فرق فارغ بال گشت مارش به ساق پاخالخال (۲۸۰، ۴۳۳۴)
- ب: خفته ... / گشته ...
۶۸. الف: درجات بهشت و لطف قصور عرفات قصور و جلوه نور (۲۸۴، ۲۴۰۳)
- ب: ... عرفات ... /
۶۹. الف: جامی از هر چه هست بگسل بند و اندر آن یار دل گسل دل بند (۲۸۹، ۲۴۰۵)
- ب: ... بند ... /
۷۰. الف: خاطر رم با کشاکش شان وقت من خوش ز قصه خوش شان (۲۸۸، ۲۴۸۴)
- ب: کشاکشان ... / خوششان
۷۱. الف: بهر ترویج روح او هر سال

۸۳. الف: همچو خوشه به تیر دوزندش  
خرمن از برق تیغ سوزندش (۳۴۳، ۵۶۰۹)
- ب: ... دوزیدش / ... سوزیدش
۸۴. الف: گفت بر خود که وای بر ما باد  
خشم خلق و خدا بر ما باد (۳۵۴، ۵۸۲۹)
- ب: گفت با خود ... / ...
۸۵. الف: گفت او بود همچو ابر بهار  
بر جهان درفشان و گوهر بار (۳۵۵، ۵۸۳۷)
- ب: کف او بود ... / ...
۸۶. الف: که همه روز روزه می‌دارد  
همه شب جز نماز نگذارد (۳۵۷، ۵۸۸۱)
- ب: ... / ... نگذارد
۸۷. الف: زید احکام سعد و نحس شناس  
زان به امید جفت زین به هراس (۳۶۵، ۶۰۴۲)
- ب: زیر ... / ...
۸۸. الف: از کمال گروه ساعدیان  
نیست چیزی به جز سخن به میان (۳۷۳، ۶۲۰۱)
- ب: از کمال و گروه ... / ...
- بررسی و نقد تصحیح سایر مثنوی‌های هفت اورنگ چاپ دفتر  
نشر میراث مکتوب نیاز به فرصت دیگری دارد.
- پی‌نوشت:**  
\* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی همدان
- منابع و مأخذ**
- ۱- جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۷۸)، مثنوی هفت اورنگ، تحقیق و تصحیح: جابلقا داد علیشاه و اصغر جانفدا، نشر میراث مکتوب، چاپ اول.
- ۲- جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۶۱)، مثنوی هفت اورنگ، به تصحیح و مقدمه مرتضی مدرّس گیلانی، کتابفروشی سعدی، چاپ سوم.
۳. استفاده از شش نسخه خطی مثنوی هفت اورنگ.
۴. خدیور، هادی (۱۳۷۵)، تصحیح مثنوی سلسله‌الذهب نورالدین عبدالرحمان جامی؛ با مقدمه و تعلیقات، (رساله دکتری ادبیات، استاد راهنما: دکتر سیدضیاءالدین سجّادی).
- می‌گذارم هجی بدین منوال (۲۹۱، ۴۵۴۵)
- ب: ... / امی گزارم ...
۷۲. الف: شاه بعد از جواب بشنیدن  
داد فرمان به دست بریدن (۲۹۵، ۴۶۴۵)
- ب: ... / ... بیریدن
۷۳. الف: بهر عقده‌گشایی ایام  
تیز دندان شدم پسین سلام (۳۰۰، ۴۷۳۴)
- ب: ... / ... به سین ...
۷۴. الف: همچو گرگان طعمه ناخورده  
بر بره و میش حمله آورده (۳۰۷، ۴۸۸۱)
- ب: ... / ابر یز و میش ...
۷۵. الف: سر و سیمین او خلال شده  
ماه رخسار هلال شده (۳۱۷، ۵۰۹۲)
- ب: ... / ... خیال ...
۷۶. الف: بود از این گونه مرده بوبکر  
رسته از کید زرق و حيله و مکر (۳۲۳، ۵۲۱۴)
- ب: ... / ... مرده ای ...
۷۷. الف: زنگی روی چون در دوزخ  
بینی همچو موری مطبخ (۳۲۳، ۵۲۲۴)
- ب: زنگی ای ... / بینی یی
۷۸. الف: چشم‌ها گرد و چشمخانه مگاک  
گردکان در کوی فتاده به خاک (۳۲۳، ۵۲۲۶)
- ب: ... / ... گویی ...
۷۹. الف: که تو را شوق آن شود جامی  
که رهی همچو میوه از خامی (۳۲۵، ۵۲۵۷)
- ب: گر ... / ...
۸۰. الف: چون فرستاد از خرد زنده است  
آن خردمندی فرستنده است (۳۲۸، ۵۳۰۸)
- ب: چون فرستاده ... / ...
۸۱. الف: نامرا دو امین نهید او را  
تخم و گاو و زمین دهید او را (۳۲۸، ۵۳۱۵)
- ب: نام راد و امین نهید او را / ...
۸۲. الف: به سرحد داد خواهی رسانید. (۳۳۷)
- ب: به سرحد داددهی رسانید.